

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Jurisprudential and Legal Dimensions of Electronic and Digital Transactions in Iranian Law

Amir Khajehzadeh*¹

1. Department of Private Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran.

* Corresponding Author's Email: Khajehzadeh.amir@yahoo.com

ABSTRACT

Today, with the growth and transformation of societies, the subject of jurisprudential and legal rulings related to electronic transactions has become one of the prominent issues, such that various aspects of this field can be examined. Despite the existence of relevant laws such as the Electronic Commerce Act, these regulations are not fully capable of covering all the rulings and consequences related to this type of transaction. Among the significant issues raised in this context is the permissibility or impermissibility of certain electronic transactions associated with digital currencies, such as the sale of cryptocurrencies and their multiple types, smart contracts in electronic and digital transactions, the manner of filing lawsuits related to such transactions, methods of proving validity and enforcing related rulings, as well as the study of the legal nature of these transactions. In addition, other issues in this area also hold considerable importance. Therefore, the aim of the present study is to investigate the jurisprudential and legal dimensions of electronic and digital transactions in Iranian law using a descriptive-analytical method. The findings indicate that electronic and digital transactions have different consequences in jurisprudence and law in Iran; some jurists have accepted them, while others have deemed such transactions ineffective. In this respect, if the technical, educational, behavioral, cognitive, judicial, and other infrastructures are provided in countries, these types of transactions can have a profound impact not only at the national level but also at the international level.

Keywords: transaction, electronic transactions, digital, electronic signature, cryptocurrency sale.

How to cite: Khajehzadeh, A. (2026). Jurisprudential and Legal Dimensions of Electronic and Digital Transactions in Iranian Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-18.



تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳ تیر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

ابعاد فقهی حقوقی معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در حقوق ایران

امیر خواجه زاده^{*۱}

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Khajehzadeh.amir@yahoo.com

چکیده

امروزه با رشد و تحول اجتماعات، موضوع احکام فقهی و حقوقی مرتبط با معاملات الکترونیکی به یکی از مباحث برجسته تبدیل شده است، به طوری که می توان در این حوزه، جنبه های مختلفی را مورد بررسی قرار داد. با وجود قوانین مرتبطی نظیر تجارت الکترونیکی، این مقررات به طور کامل قادر به پوشش تمامی احکام و آثار مربوط به این نوع معاملات نیستند. از جمله مسائل مهمی که در این زمینه مطرح می شوند، موضوع حلیت یا عدم حلیت برخی از معاملات الکترونیکی مرتبط با ارزش های دیجیتالی است، مانند بیع رمز ارزها و انواع متعدد آنها، قراردادهای هوشمند در معاملات الکترونیک و دیجیتال، نحوه طرح دعوی مربوط به این گونه معاملات، روش های اثبات حقانیت و اجرای احکام مرتبط و همچنین بررسی ماهیت این معاملات؛ علاوه بر این، موضوعات دیگری نیز در این حوزه وجود دارند که از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. از این جهت هدف پژوهش پیش رو مطالعه ابعاد فقهی حقوقی معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در حقوق ایران به روش توصیفی و تحلیلی است که به این یافته اشاره دارد که معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در فقه و حقوق ایران دارای آثار متفاوتی است و برخی فقها آنها پذیرفته و برخی نیز این نوع معاملات را بلا اثر عنوان کرده اند. به طوری که اگر زیرساخت های فنی، آموزشی، رفتاری، شناختی، قضایی و... در کشورها مهیا باشد این نوع معاملات، نه در سطح ملی بلکه در سطح بین المللی تأثیر شگرفی دارد.

کلیدواژگان: معامله، معاملات الکترونیکی، دیجیتال، امضای الکترونیکی، بیع رمز ارز.

معامله خللی وارد نمی‌کند (هرچند که ممکن است این بیع به لحاظ شرعی باطل و فاقد اثر باشد)؛ بنابراین، اساساً ساقط کردن مالیت عرفی اشیاء در وسع شریعت نیست و آنچه شریعت می‌تواند انجام دهد، جلوگیری از آثار معاملات به صورت کلی یا جزئی است و نه سلب کردن جایگاه و اعتبار عرف (در تعیین مالیت اشیاء)» (Mousavi Khomeini, 2000). با توجه به نظر حضرت امام می‌توان عنوان داشت که بیع رمز ارزها، عرفاً مال محسوب می‌شود و از مالیت برخوردار است و ماهیت آن نیز مال است. در این نمونه از معامله الکترونیکی، مشاهده می‌گردد که معامله الکترونیکی همچون بیع رمز ارزها، چه ابعاد مختلفی را به خود دیده است. از این جهت، نگاره پیش رو در تلاش است با مطالعه دقیق تر، ابعاد حقوقی و فقهی این نوع معاملات را تبیین نماید.

۱- ابعاد فقهی

ابعاد فقهی معاملات الکترونیکی به بررسی تطبیقی و تطبیق معاملات انجام شده از طریق اینترنت با احکام و قواعد فقه اسلامی می‌پردازد. این بررسی شامل مواردی چون ایجاب و قبول الکترونیکی، قصد و رضای طرفین در بستر دیجیتال، اعتبار اسناد الکترونیکی و شمول خیارات در این نوع معاملات است. در امور معاملی و معاوضی، عوض در قبال معوض تأدیه می‌شود و بنابراین دو نفر که دارای اهلیت کامل باشند، می‌توانند مالکیت خود را اعم از عین و منافع در قالب عقود معین و یا غیرمعین و صرف تراضی مبادله نمایند. معوض ممکن است کالا، خدمت یا هر چیزی که در نزد عقلاً مرغوب باشد، بوده، اما به اصل اولی باید بین عوض و معوض تعادل و توازن داشته باشد؛ در جامعه عقلایی از بدو تاکنون با رشد مدنیت معاوضه از کالی به کالی در قبال ثمن ارتقا یافت، تا جایی که ثمن از نقدین (طلا و نقره) تغییر و کمال یافت و در چرخه تکامل شاهد انتشار اسکناس و سایر اوراق بهادار بر اساس پشتوانه‌های طلا، نقره و اکنون سایر پشتوانه‌های دیگر شده ایم. در مرحله‌ای تکاملی، انتشار اسکناس در دستور کار دولت‌های مرکزی

معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در حوزه تجارت الکترونیک به عنوان یکی از مهم ترین و سریع ترین حوزه‌های رشد در اقتصاد جهانی، تحولی بزرگ در نحوه انجام معاملات و قراردادها به وجود آورده و با ظهور اینترنت و تکنولوژی‌های جدید، قراردادهای سنتی جای خود را به قراردادهای الکترونیکی داده اند که این امر باعث شده تا نیاز به بررسی و تنظیم قوانین جدید برای مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های این حوزه به وجود آید. معاملات الکترونیکی به دلیل ماهیت دیجیتالی خود، پرسش‌های زیادی را در زمینه فقهی و حقوقی مطرح کرده اند؛ از جمله مسائل مربوط به صحت و اعتبار این نوع معاملات، امضای دیجیتال، حقوق مصرف کنندگان و داشتن امنیت اطلاعاتی است. با گسترش معاملات الکترونیکی و جایگزینی قراردادهای سنتی با قراردادهای الکترونیکی، چالش‌های نوینی در حوزه حقوقی پدید آورده است. یکی از مسائل اساسی در این زمینه، چگونگی تطبیق قوانین موجود با شرایط نوین است (Beiranvand & Habibi Behrouz, 2024). برای مثال بیع رمز ارزها، یکی از موضوعات نوین فقهی و حقوقی است که نظرات مختلفی از سوی فقهای فقه امامیه در حقوق ایران، در خصوص آثار آن بیان گردیده است که برخی همچون وحید خراسانی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی، شبیری زنجان، مکارم شیرازی، هاشمی شاهرودی و دیگران آن را قبول نکرده اند و از جهاتی اشخاصی همچون صانعی آن را صحیح عنوان نموده اند و صحت آن را در شرط آگاهی دانسته اند. امام خمینی (ره) در کتاب البیع در خصوص ماهیت بیع که می‌تواند در راستای بیع رمز ارزها نیز مورد مطالعه قرار گیرد بیان می‌دارد: «فرض اعتبار مالیت در ماهیت بیع رمز ارزها، آنچه اعتبار دارد مالیت عرفی است (و نه مالیت شرعی). لذا اگر فرض شود که یک شیء از نظر شارع مقدس مال نیست، ولی از نظر عرف مال محسوب می‌شود، این موضوع بر صدق عنوان بیع بر این

و مستقل قرار گرفت و در برهه‌ای دیگر اتحادیه اروپا اقدام به انتشار پول مشترک به نام یورو نموده است؛ در حالی که اقدام اخیر با تعریف بدوی پول و روش‌های انتشار آن بعید و غیرمتعارف به نظر می‌رسید، اما در حال حاضر به عنوان ارزی مطرح و قابل اتکاتر شناخته شده، تا جایی که سیاست گذاران اقتصادی ایران را بارها به تبادل‌های خارجی با این ارز خارجی ترغیب و وسوسه نموده است. اکنون با ظهور دنیای مجازی و تغییر فضا، اقتضائات و مناسبت‌های آن در جوامع عقلایی و در مدنیت مدرن، در محیط مجازی فعل و ترک فعل تا جایی که رسمیت شناخته شده است که علاوه بر لزوم پلیس سایبری، نیاز به تعریف جرم و به تبع آن مجازات در این محیط شده ایم. در این محیط پول یا عوض باید مطابق با اقتضائات آن تعریف، انتشار، تبادل و قبض و اقباض شود؛ بنابراین، ارزش‌های اقتصادی این محیط که عندالعقلا مرغوب باشند، در این فضا در قبال ارزش دیگری تبادل و معادله توازنی را برقرار می‌کند و نهایتاً داد و ستد می‌شوند. در مواجهه با چنین فضا، اقتضائات و نوع تعامل مدنی و رغبت مدنیت و حتی جزئیت آن به عنوان بخشی از مدنیت، باید این پدیده را براساس زیرساخت‌های فقهی و اصول و قواعد آن به داوری نشست و در صورت عدم مغایرت، این قبیل مبادلات و ارزش گذاری را به رسمیت شناخت (Roshan et al., 2018).

۱-۱- از منظر فقه‌های مخالف

۱-۱-۱- بر خلاف حفظ نظام بودن

فقه‌های مخالف معاملات الکترونیکی و دیجیتالی بنا به دلایل مختلفی در راستای رد اینگونه معاملات بوده اند. آن‌ها معتقدند یکی از مسائل ضروری فقه، لزوم حفظ نظام و جلوگیری از اختلال نظام زندگی مسلمین است. فقها این اصل را (حفظ نظام) به عنوان یک قاعده عقلی و ضروری تا آنجا مسلم تلقی نموده اند که در بسیاری از موارد به خاطر حفظ این دست از احکام اولیه برداشته و به احکام ثانوی فتوا داده اند. لذا با عنایت به معایب معاملات

الکترونیکی و دیجیتالی مانند مشکلات امنیتی، تسهیل جرایم امنیتی، فرار مالیاتی و پول شویی که موجب اختلال نظام اقتصادی و حتی سیاسی جامعه خواهد شد، مصلحت اقتضا می‌کند که حاکم اسلامی تا بسامان رسیدن تولید و جریان این شکل از پول، از ورود آن به اقتصاد واقعی جلوگیری نماید (Soleimanipour, 2017). چرا که اگر سرزمین‌های مسلمانان یا مرزهای کشور آنان مورد هجوم دشمن قرار گیرد به طوری که ایجاد خطر برای بیضه اسلام و اجتماع مسلمانان کند، بر آن‌ها واجب است به هر وسیله ممکن اعم از بذل مال و جان، از آن دفاع کنند. ایشان در ادامه چنین جهاد دفاعی را مشروط به حضور و اذن امام یا نایب خاص یا عام او ندانسته و دفاع را بر همه مکلفین با هر وسیله‌ای بدون هیچ قید و شرطی واجب می‌شمارد؛ حتی این حکم را در مورد کشور و دولت‌های اسلامی دیگر ساری می‌داند. در اندیشه امام خمینی (ره) هجوم نظامی بر کیان اسلامی موجب واجب شدن دفاع بر مسلمانان می‌گردد و مقاومت منفی در مقابل هرگونه قرارداد بین المللی با سایر دولت‌ها را که مخالف مصلحت اسلام و مسلمین باشد، واجب می‌شمارد؛ همچنین می‌گوید: در صورتی که رؤسای دولت اسلامی یا نمایندگان مجلس موجب نفوذ سیاسی یا اقتصادی اجانب بر مملکت اسلامی شوند، به گونه‌ای که خوف تسلط آن‌ها بر کیان کشور اسلامی (بیضه اسلام) یا از دست دادن استقلال مملکت اسلامی، ولو در آینده شود، خائن شمرده شده و در هر پست و مقامی باشد، از مقام خود منعزل می‌شود و بر امت اسلامی است که او را مجازات کنند؛ ولو با مقاومت منفی و اهتمام به اخراج او از تمام شئون سیاسی و محروم کردن وی از حقوق اجتماعی (Mousavi Khomeini, 1983). نتیجه آنکه از دیدگاه امام خمینی (ره) در خطر افتادن مملکت و دولت اسلامی نه فقط از راه حمله نظامی و هجوم مسلحانه دشمن امکان پذیر است، بلکه ممکن است از راه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز دولت و ملت اسلامی را مورد هجوم قرار دهد که در این هنگام

حجم پول، تضییع اموال غیر و پدیده‌های خلاف مصلحتی چون ارز و تسهیل جرایم بینجامد، به استناد این قواعد فقه که بیشتر ناظر به فقه حکومتی است، می‌توان نهادینه شدن برخی معاملات الکترونیکی و دیجیتالی همچون بیت کوین را در سیستم مالی کشور را از نظر شرعی دچار اشکال دانست (Mirzakhani, 2017). آنچه از نظر فقه امامیه در خصوص حفظ نظام با مصلحت نظام قابل توجیه است، در سه محور خلاصه می‌شود: اول: آنچه مربوط به حفظ نظام و حکومت اسلامی است. دوم: حفظ نظم جامعه مطابق این دو نوع مصلحت بسیاری از احکام مستحدثه شکل می‌گیرد زیرا حفظ نظام و حفظ نظم جامعه از مهمترین اهداف اسلام است، که انحراف از آن جایز نیست. سوم: آنچه مربوط به تعارض اهم و مهم است یعنی هرگاه دو مصلحت که مورد توجه و قبول فقه اسلام است، در مقابل یکدیگر قرار گیرند، باید مصلحت اهم را ترجیح داد و مهم را فدای آن کرد. برای مثال در قسمت اول، می‌توان مسائل مربوط به انتخابات، شرایط ویژه رئیس جمهوری و نمایندگان و انتخاب کنندگان را در نظر گرفت و در قسمت دوم، مسائلی مانند معاملات الکترونیکی و دیجیتالی، نظام بانکداری و بیع و استخراج رمز ارزها و بخش مهمی از نظام پولی و مسائل اقتصادی امروز را به عنوان مثال می‌توان ذکر کرد و در قسمت سوم محدود کردن پاره‌ای از معاملات الکترونیکی و دیجیتالی همچون بیت کوین و صادرات و واردات کشور که سلطه مردم را بر اموالشان محدود می‌سازد، ولی اهداف مهمی را احیا می‌کند، مثال خوبی است.

۲-۱- از منظر فقهای موافق

از دیدگاه فقهای موافق، معاملات الکترونیکی به دلیل اینکه در بستر فضای مجازی انجام می‌شوند و از نظر شرعی، اصل بر اباحه و صحت معاملات است، به طور کلی مجاز و صحیح هستند. این فقها با استناد به ادله‌ای مانند اصل اباحه، اصل صحت و اصل لزوم

نیز همچون دفاع نظامی در مقابل دشمن به منظور حفظ نظام یا کیان اسلام بر آحاد مردم واجب است با هر وسیله‌ای در مقابل او مقاومت کنند. مرحوم نائینی تحفظ از مداخله اجانب و تحذر از جیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه و غیر ذلک (که) این معنی را در السان متشرعین، «حفظ بیضه اسلام» و سایر ملل «حفظ وطنش خوانند»، را از وظایف اصولی سلطنت اسلامی و امامت در جهت حفظ نظام عالم و حفظ شرف و قومیت هر قومی می‌داند (Mousavi Khomeini, 1983). برخلاف حفظ نظام، معاملات الکترونیکی شرایط و ویژگی‌هایی را به وجود می‌آورند که می‌توانند از ساختارهای سنتی فاصله بگیرند. این معاملات با امکان انجام فرایندها به صورت مستقیم بین طرفین و حذف واسطه‌های غیرضروری، باعث کاهش تمرکز قدرت در نهادهای خاص می‌شوند. همچنین، شفافیت اطلاعات و سرعت در انتقال داده‌ها، کنترل و نظارت شدید سنتی را با چالش مواجه می‌کند. این مسائل به تغییر در الگوهای اقتصادی و اجتماعی منجر شده و مفهوم قراردادی حفظ نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱-۲- بر خلاف مصلحت بودن

در اظهار نظری که از سوی یکی از محققان مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار به عمل آمده، بدین شرح استدلال شده است. به استناد ادله‌ای مانند قاعده لاضرر، قاعده احترام، قاعده اتلاف و قاعده مصلحت که همگی ناهمی سیاست‌های غلط پولی و تغییر ضرری در حجم پول هستند، مقتضی است تا زمانی که از طرف حاکمیت برای کنترل پول‌های مجازی در اقتصاد واقعی ترتیب داده نشده است، از ورود مشروعیت پول‌های مجازی در دنیای حقیقی همچون معاملات الکترونیکی و دیجیتالی جلوگیری گردد. حیات این پول‌ها در جوامع مجازی خود بی‌آنکه تأثیرگذار در نظم پول واقعی شود، با اشکالی مواجه نخواهد بود و مشروع است. اما اگر ورود این به اصطلاح پول‌های مجازی به دنیای حقیقی به پدیده‌هایی چون تغییر

وفای به عقد، معاملات الکترونیکی را از نظر تکلیفی جایز و از نظر وضعی دارای اثر حقوقی می‌دانند.

۱-۲-۱- مالیت معاملات الکترونیکی و دیجیتالی

در معاملات الکترونیکی و دیجیتالی، مسئله «مالیت» به این معناست که آیا موضوع معامله (کالا یا خدمات) می‌تواند به عنوان یک مال قابل معامله در نظر گرفته شود یا خیر. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که اگر یک شیء یا خدمت مالیت نداشته باشد، نمی‌تواند موضوع یک معامله صحیح قرار گیرد. در فقه اسلامی، مال به طور کلی به هر چیزی اطلاق می‌شود که انسان‌ها برای آن ارزش قائل هستند و به دلیل منفعت یا فایده‌ای که دارد، مایلند آن را مالک شوند یا در ازای آن چیزی بپردازند. فقها در تعاریف خود از مال، بر جنبه‌های مختلفی از جمله قابلیت مبادله، منفعت واقعی یا اعتباری و میل و رغبت عقلا به آن تأکید کرده‌اند. در تعریف مشهور: «المال ما یبذل بازائه المال» که به این معناست که مال چیزی است که در مقابل آن مال دیگری پرداخت می‌شود (Mousavi Khomeini, 2000). برخی برای جامعیت و مانعیت دادن به مفهوم مال لفظ را در تعریف آن آورده‌اند که به معنی رقابت شدید «تنافس» در راه به دست آوردن آن است. شیخ طوسی نیز در تعریف مال آورده‌اند: هر جنسی که در عرف مال محسوب می‌شود مالیت دارد. اعم از آن که اصلش مباح بوده باشد یا نباشد. که برخی تعریف اخیر را دلیلی بر مشروعیت معاملات الکترونیکی و دیجیتالی می‌دانند (Tusi, 1993). با توجه به این که در عالم حقوق احکام تابع عناوین هستند باید روشن شود که آیا معاملات الکترونیکی و دیجیتالی مال محسوب می‌شود یا ماهیت دیگری دارد. لذا با در نظر گرفتن تعاریف مذکور در ادامه به بررسی این می‌پردازیم که آیا می‌توان از دید فقها معاملات الکترونیکی و دیجیتالی را مال محسوب نمود و آن را در معاملات عوض قرار داد یا خیر همچنین باید مشخص شود معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در کدام یک از تقسیم‌بندی‌های مال جای

می‌گیرد. از آنجایی که برخی معاملات الکترونیکی و دیجیتالی همچون رمزهای دیجیتالی مانند فلزات قیمتی فی نفسه دارای ارزش نیستند، تا زمانی می‌توان آن‌ها را مال دانست که ارزش خود را حفظ کنند. اگر بها و ارزش آن‌ها به نحوی ساقط شود، مالیت آن‌ها نیز از بین می‌رود. یکی از تقسیم‌بندی‌های مشهور مال در فقه دسته‌بندی آن به عین، منفعت و حق است. عده‌ای بر این باورند که ارزشهای دیجیتالی پول محسوب نگشته و کالای سرمایه‌ای هستند؛ زیرا که برای منتقل شدن ارزش در طول زمان مورد استفاده قرار می‌گیرند (Shahidi, 2014). برخی نویسندگان بر این باورند که به صرف ملموس و خارجی نبودن رمزهای دیجیتالی نباید آن‌ها را از دایره عین خارج و در دایره منافع قرار داد. زیرا این که مالی منفعت باشد مستلزم این است که تصرف مالکانه‌ای بر روی عین آن صورت نگیرد. مثلاً در یک واحد اجاره‌ای مستأجری که مالک منافع یک خانه است نمی‌تواند روی اعیان آن تخریبی انجام دهد و یا اصل ملک را خرید و فروش نماید. در حالی که در ارزشهای دیجیتالی چنین قواعدی حاکم نیست و مالک آن‌ها مختار است هر تصرفی اعم از خرید، فروش و حتی تخریب بر روی آن‌ها اعمال کند. این عده بر این باورند که رمزها دیجیتالی اعیانی هستند که به وسیله داده‌های رایانه‌ای شکل گرفته‌اند و با سکه‌های فلزی و اسکناس تفاوت دارند. محل ذخیره ارزشهای دیجیتالی کیف پول‌های دیجیتالی هستند و بعد از خارج شدن به حساب کاربر انتقال می‌یابند. آن‌ها منفعت نبوده و عین می‌باشند. بنا به تعریف دیگر عین چیزی است که در عالم واقع محقق شده و در یک تقسیم‌بندی مقابل منفعت و دین قرار می‌گیرد. بنا به این تعریف نباید ارزشهای دیجیتالی را منفعت تلقی کرد و باید آن‌ها را عین دانست. زیرا صرف این که در فضای مجازی وجود دارند به این معنی نیست که انتزاعی هستند. قرار گرفتن فضای مجازی در برابر حقیقی به دلیل این است که بخشی از عملیات شکل گرفته در آن از چشم انسان پنهانند و به دلیل غیرواقعی بودن آن‌ها نیست

۲- ابعاد حقوقی

از منظر حقوقدانان ایرانی، معاملات الکترونیکی به عنوان یکی از مصادیق معاملات، مشمول قواعد عمومی قراردادها در قانون مدنی هستند و علاوه بر آن، مشمول قانون تجارت الکترونیکی نیز می‌باشند. به طور خلاصه، معاملات الکترونیکی به معاملاتی گفته می‌شود که از طریق واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید منعقد می‌شوند.

۲-۱- شرایط اساسی صحت معاملات

معاملات الکترونیکی نیز مانند سایر معاملات، باید دارای شرایط اساسی صحت معامله، مانند قصد و رضای طرفین، اهلیت، موضوع معین و مشروعیت جهت معامله باشند. اگر چه برخی (Al-Sanhouri, 1988) اراده انشائی را امری بسیط دانسته اند. اما اراده انشائی خود دارای دو عنصر قصد انشاء و رضا می‌باشد (Emami, 1987). قانون مدنی نیز رضای طرفین را در کنار قصد انشاء از شرایط اساسی برای صحت عقد عنوان نموده است (بند ۱ ماده ۱۹۰ ق.م.). عناصر مذکور مفهومی حقوقی و اعتباری داشته و جنبه باطنی و درونی دارند که هر کدام از آن‌ها طی انجام فعالیت‌های دماغی و درونی مختلف ایجاد می‌گردند؛ بدین نحو که پس از تصور آنچه قرار بر انعقاد عقد نسبت به آن هست (تصور) شخص در ذهنیت خود فایده و ضرر آن را مورد سنجش قرار داده (تدبر) و سپس تمایل و اشتیاقی درونی شخص نسبت به آنچه در آینده مورد معامله واقع می‌شود، حادث می‌گردد. در این مرحله است که یکی از عناصر اراده در معاملات الکترونیکی و دیجیتالی تحت عنوان رضا حاصل می‌گردد و اصطلاحاً گفته می‌شود طرف معامله دارای رضا است. بعد از این مرحله شخص دارای رضا، تصمیم می‌گیرد تا نسبت به آنچه تمایل و اشتیاق (رضا) داشته را در عالم حقوق ایجاد نماید؛ لذا در این مرحله عنصر دیگر اراده یعنی قصد انشاء یا به عبارت دیگر قصد ایجاد اثر حقوقی حاصل می‌گردد (Shahidi, 2014).

(Khorsandi Koochesfahani & Chitsazian, 2021).

انتقادی که به رویکرد مذکور وارد است این می‌باشد که نیازی نیست که حتماً ماهیت جدید ارزهای دیجیتال را در تقسیم بندی‌های کلاسیک جای داد بلکه اگر آن‌ها دارای اوصاف عین نبوده و تعیین ندارند و از طرف دیگر ویژگی‌های منفعت را نیز دارا نیستند، می‌توان برایشان طبقه جدیدی در دایره اموال تعریف نمود. البته مشروط بر این که آن‌ها را مال بدانیم (Norouzi et al., 2021). به طور کلی، یک وب‌سایت فروش کتاب الکترونیکی را در نظر بگیرید، کتاب الکترونیکی یک کالای دیجیتالی است که به صورت فیزیکی قابل تحویل نیست، اما دارای ارزش اقتصادی است و قابل انتقال به خریدار است. بنابراین، این کتاب به عنوان یک مال در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند موضوع یک معامله الکترونیکی قرار گیرد.

۲-۲-۱- اباحه معاملات الکترونیکی و دیجیتالی

با توجه به اصل اباحه در معاملات (الأصل فی المعاملات الاباحه) که بیانگر جواز هر معامله‌ای است مگر اینکه صراحتاً با احکام دینی در تضاد باشد، معاملات الکترونیکی و دیجیتال نیز در این قاعده قرار می‌گیرند و اگر مخالفت صریحی با شرع نداشته باشند، استفاده و معامله با آن‌ها جایز است. همچنین اگر این معاملات ویژگی‌های پول را داشته باشند (یعنی به عنوان وسیله مبادله و ارزیابی قیمت در جامعه پذیرفته شده باشند)، می‌توانند به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرند. اصل اباحه در فقه، به این معناست که هر چیزی که منع شرعی برای آن وجود نداشته باشد، مباح و جایز است. در معاملات، این اصل به این معناست که هر معامله‌ای که منع شرعی نداشته باشد، صحیح و جایز است. معاملات الکترونیکی و دیجیتال، مانند خرید و فروش آنلاین، پرداخت‌های دیجیتال و استفاده از ارزهای دیجیتال، در صورتی که از نظر شرعی منع خاصی برای آن‌ها وجود نداشته باشد، مشمول اصل اباحه می‌شوند (Norouzi et al., 2021).

هرگاه قانون وجود امضاء را لازم بداند، امضای الکترونیکی نیز کفایت می‌کند.

از آنجا که روش برابری کاربردی نقش بیشتری در توسعه نظام حقوقی معاملات الکترونیکی و تنظیم تجارت الکترونیک داشته است، مفاد قانون نمونه آنسترال مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد دستورالعمل امضای الکترونیکی و دستورالعمل معاملات از راه دوریوتا، یوسیتا و قانون تجارت الکترونیکی ایران بیانگر پذیرش برابری کاربردی در وضع قوانین حاکم بر قراردادهای الکترونیکی است (Al-San, 2006).

ماده ۹۶۸ قانون مدنی دارای دو جنبه امری و اختیاری بودن است که در این خصوص در دو جنبه دارای طرفدارانی می‌باشد که طرفداران نظری امری بودن، قانون ایران را در مورد عقود منعقد شده در ایران، به طور اجباری مجری می‌دانند (Katouzian, 2014) و طرفداران جنبه اختیاری بودن، حکم مندرج در این ماده را مثل همه احکام مشابه، ناظر به مورد سکوت طرفین عقد تلقی نموده و بنابراین در صورت وجود اراده خلاف چه زمانی و چه صریح، این اراده را بر ماده فوق مقدم می‌دانند. به نظر نگارنده، این ماده به عنوان قاعده‌ای جهت حل تعارض در قراردادها چه سنتی و چه الکترونیکی باید به صورت اختیاری تفسیر شود و گرنه ایجاد کننده مشکلات و اختلافات فراوانی خواهد بود که به شرح ذیل بیان می‌گردند.

(۱) این قاعده فقط در خصوص قراردادهای داخلی قابلیت اجرا خواهد داشت.

(۲) در صورت انعقاد قرارداد توسط اتباع ایران در خارج از کشور، آن‌ها حق انتخاب قانون ایران را نخواهند داشت.

(۳) چون به هر تقدیر نمی‌توان در روابط تجاری بین المللی، طرف خارجی را به قبول صلاحیت قانون ایران ناگزیر کرد، در قراردادهای مربوط به تجارت بین المللی ایران، یک نوع ظاهرسازی و تصنع باب میشود؛ به این معنی که معمولاً پس از

از جهاتی، اهلیت، توانایی هر شخص برای دارا شدن حق و اجرای آن در معاملات الکترونیکی و دیجیتالی می‌باشد. صلاحیت برای دارا شدن حق را اهلیت تمتع و صلاحیت برای اجرای حق را اهلیت استیفاء می‌نامند (Safaei, 2003). علاوه بر دو نوع اهلیت ذکر شده، نوع دیگری از اهلیت در قانون مورد تصریح واقع شده است. ماده ۳۴۵ قانون مدنی این نوع اهلیت را تحت عنوان اهلیت تصرف مطرح نموده است. ماده مذکور در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر یک از بایع و مشتری باید علاوه بر اهلیت قانونی برای معامله اهلیت برای تصرف در مبیع یا ثمن را نیز داشته باشد». نویسندگان حقوقی این نوع از اهلیت را از انواع اهلیت ندانسته اند. البته برخی از نویسندگان حقوقی (Katouzian, 2022) اهلیت تصرف موضوع ماده مذکور را تحت عنوان «اختیار» مورد بحث قرار داده است. بدین ترتیب هر یک از سه اهلیت مذکور به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد (Mahmoudzadeh, 2013).

واجد منفعت عقلانی و مشروع بودن معاملات الکترونیکی و دیجیتالی به عنوان یکی از شرایط صحت عقود در ماده ۲۱۵ قانون مدنی آمده است. ماده مذکور در این زمینه مقرر می‌دارد: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی باشد». منظور از عقلانی بودن منفعت آن است که مورد معامله عرفاً یا حداقل بین دو طرف نفعی داشته باشد که طرف دیگر قرارداد بابت آن مالی بپردازد و منظور از مشروع بودن منفعت، مخالف نبودن مورد معامله با قواعد آمره ناشی از قانون یا شرع است (Safaei, 2003). بدین ترتیب مورد معامله در معاملات الکترونیکی باید دارای منفعت عقلانی و مشروع باشد و این شرط یکی از شرایط صحت مورد معامله است (Mahmoudzadeh, 2013).

۲-۲- امضای الکترونیکی

قانون تجارت الکترونیکی، امضای الکترونیکی را به عنوان جایگزینی برای امضای دستی در اسناد کاغذی پذیرفته است و

امضای قرارداد از سوی طرف ایرانی، طرف خارجی قرارداد را در خارج از کشور امضا می‌کند تا منعقد در خارج از ایران تلقی شود؛ حتی اگر تمام مذاکرات مربوط به انعقاد قرارداد در ایران انجام شده باشد، نتیجه نامطلوب این وضعیت برای طرف ایرانی این است که حقوق ناشی از یک قرارداد تجارت بین المللی، ملعبه تصمیم یک جانبه طرف خارجی خواهد شد. به تعبیر روشن تر، پس از اینکه طرف ایرانی شرایط خود را پس از یک مذاکره طولانی به قبولی طرف خارجی رساند و قرارداد را امضا کرد، متن امضا شده قرارداد را برای امضای نهایی باید به خارج از ایران بفرستد و در این مرحله، هر گاه طرف خارجی قرارداد به این نتیجه رسیده باشد که بر اثر تغییر اوضاع و احوال، امضای قرارداد به مصلحت او نیست، قرارداد را امضا نخواهد کرد (Arfania, 2000).

۴) چون قرارداد منعقد شده در ایران به هر حال تابع قانون ایرانی تلقی خواهد شد، به فرض که با مقاومت از طرف ایرانی، قرارداد در ایران امضا شود، قانون صلاحیت دار ضمن قرارداد تصریح نخواهد شد و طرف ایرانی ناچار خواهد شد شرط رجوع اختلافات به داوری را بپذیرد. هیئت داوری نیز بر حسب قواعد معمول حقوق بین الملل خصوصی، در انتخاب قانون صلاحیت دار، قاعده تعارض کشور محل اجلاس خود را در نظر می‌گیرد و ارجاع اختلافات را به داوری قرینه‌ای بر تفسیر نظر متعاملین در تمکین به صلاحیت قانون محل اجلاس داوران تلقی خواهد کرد. به تعبیر روشن تر، قراردادهای تجاری بین المللی ایران به ندرت مورد رسیدگی قضایی در محاکم ایران قرار خواهد گرفت و این خود یکی از علل کمبود رویه قضایی در ایران در زمینه مسائل حقوق بین الملل خصوصی است که با توجه به پیشرفت تجارت بین المللی در دوران ما، عدم آگاهی محاکم و مراجع حقوقی کشور نسبت به مسائل حقوق بین الملل خصوصی بسیار نامطلوب است» (Mafi et al., 2011).

۳-۲- اعتبار اسناد الکترونیکی

۲-۴- قانون حاکم بر معاملات الکترونیکی

قانون حاکم بر معاملات الکترونیکی، قانون محل وقوع عقد است، مگر اینکه طرفین در قرارداد خود، قانون دیگری را به صراحت یا ضمنی تعیین کرده باشند. در این مورد می‌توان به رأی ذیل که در مورخه ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ صادر یافته، اشاره داشت:

خلاصه جریان پرونده: شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج به موجب دادنامه شماره ۷۶۳۹-۱۴۰۰/۱۰/۲۳ چنین اظهار نظر نموده است: «در خصوص دادخواست آقای ر.ش. فرزند ی. به طرفیت خواندگان ۱- آقای م. م. فرزند ا. ۲- خانم ا.ش. فرزند ج.م. به خواسته تسلیم مبیع (صدور حکم بر الزام خوانده به تحویل و تسلیم مبیع) مقوم به مبلغ ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال، با این توضیح که خواهان طی مفاد دادخواست تقدیمی اظهار داشته که (ایشان یک دستگاه گوشی همراه مدل ایفون ۱۲ با مشخصات مندرج در دادخواست را از خواندگان در تاریخ ۹۹/۱۱/۲۵ خریداری نموده و ثمن مبیع را به حساب خوانده ردیف اول واریز نموده و قرار بوده یک ماه بعد از تاریخ مذکور گوشی همراه را با گارانتی و ریجستری در... تحویل دهند ولی خواندگان از تحویل مبیع استنکاف نموده اند فلذا تقاضای رسیدگی به شرح خواسته را دارد... و خوانده ردیف اول طی لایحه‌ای مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ نسبت به صلاحیت این دادگاه ایراد نموده و اظهار داشته که (محل سکونت ایشان و محل انجام معامله در... بوده است و تقاضای ارسال پرونده به دادگاه شیراز به عنوان مرجع صلاحیت دار را نموده است) علی هذا بنا به مراتب و پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده و کیفیات منعکس در آن و ملاحظه مفاد دادخواست تقدیمی خواهان و لایحه ابرازی خوانده ردیف اول مبنی اینکه محل سکونت خواندگان می‌باشد. و با عنایت به خواسته خواهان (الزام به تحویل مبیع شامل یک دستگاه تلفن همراه) و اینکه هیچگونه دلیل و مدرکی مبتنی بر احراز انجام معامله در... ارائه نکرده است و با عنایت به اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده جهت رسیدگی به دعوی مطروحه فلذا این دادگاه خود را صالح به رسیدگی ندانسته و مستنداً به ماده ۱۱ و ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت محاکم عمومی حقوقی... صادر و اعلام می‌دارد. پرونده به مرجع ذیصلاح ارسال گردد.

متعاقباً شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز، به موجب دادنامه شماره ۰۲۶۹-۱۴۰۰/۱۲/۱۱ چنین اظهار نظر نموده است: در پی دادخواهی به عمل آمده، از ناحیه شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج به شماره دادنامه ۱۸۲۷۶۳۹-۱۴۰۰/۱۰/۲۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ در رابطه با دعوی خواهان آقای ر.ش. فرزند ی. به طرفیت خواندگان: ۱ آقای م.م. فرزند ا. ۲ خانم ا.ش. فرزند ج.م. به خواسته الزام خوانده به تحویل و تسلیم مبیع به انضمام مطالبه خسارات دادرسی قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی... صادر گردیده است. در این ارتباط خواهان طی مفاد دادخواست تقدیمی اظهار داشته که: یک دستگاه گوشی همراه مدل آیفون ۱۲ با مشخصات مندرج در دادخواست را از خواندگان در تاریخ ۲۵/۱۱/۹۹ خریداری نموده و ثمن مبیع را به حساب خوانده ردیف اول واریز نموده و قرار بوده یک ماه بعد از تاریخ مذکور گوشی همراه را با گارانتی و ریجستری در... تحویل دهند ولی خواندگان از تحویل مبیع استنکاف نموده اند؛ فلذا تقاضای رسیدگی به شرح خواسته را دارم... در این خصوص بررسی اوراق پرونده حکایت از این دارد. که خوانده ردیف اول طی لایحه‌ای در مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ نسبت به صلاحیت دادگاه یاسوج ایراد نموده و اظهار داشته که محل سکونت وی و محل انجام معامله در... بوده و تقاضای ارسال پرونده به دادگاه شیراز را به عنوان مرجع صلاحیت دار نموده و شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج نیز به ترتیب یاد شده طی دادنامه مبحوث عنه مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت نموده است و این در حالی است. که خواهان در دادخواست تقدیمی محل اجرای تعهد (تحویل) را اعلام نموده و در عرف نیز در رابطه با خریدهای صورت گرفته از طریق پرداخت الکترونیکی مرسوم و متداول است. که تحویل در محل سکونت خریدار صورت می‌پذیرد و خوانده ردیف اول نیز در جریان لایحه تقدیمی به شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی یاسوج متعرض این

مسئله نگردیده است. بر این اساس نص صریح ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی در باب اموال منقول متضمن صلاحیت محاکم عمومی حقوقی... به عنوان محل اجرای تعهد (تحويل) می باشد و مذاقه در نص مذکور و نظر داشت ماده ۱۱ همین قانون حکایت از تجویز اقامه دعوی از سوی خواهان در محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد یا محل اقامت خوانده یا خواندگان علی الاطلاق و البته بالاخره دارد. به دیگر سخن منبعث از این مراتب در دعوی ما نحن فیه چنانچه خواهان ابتدا به ساکن محاکم عمومی حقوقی... را جهت اقامه دعوی بر می گزید، این تکلیف برای این دادگاه جهت رسیدگی حاصل می شد و بر سبیل ملازمه، حالت عکس این وضعیت نیز صدق عنوان دارد. بر این بنیاد قرار عدم صلاحیت اصداری از سوی شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج مورد پذیرش این دادگاه نمی باشد و مستند به مواد ۱۳۰۲۶ و ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی این دادگاه با نفی صلاحیت از خود قرار عدم صلاحیت به صلاحیت شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج صادر و اعلام می نماید. این رأی نسبت به طرفین قطعی است. با وصول پرونده به دیوان عالی کشور و ارجاع به این شعبه، هیأت قضایی شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای ح. ح. عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده، مشاوره نموده و چنین رأی صادر می نماید:

رأی شعبه دیوان عالی کشور: با توجه به مراتب فوق، نظر به اعلام محل سکونت خوانده و اینکه رجوع به دیگر مناطهای صلاحیت موقوف به احراز و اثبات است. در ما نحن فیه وضعیت طرح دعوی و جریان فعلی آنها مواجهه با ابهام است و قراردادی نیز ارایه نشده است؛ لذا استدلال شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج... صحیح و منطبق با موازین قانونی می باشد. توجهاً به مواد ۱۱ و ۲۶ و ۲۸ و تبصره ذیل ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن تأیید استدلال مذکور، با

اعلام صلاحیت شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز استان فارس حل اختلاف می گردد.^۱ در نتیجه از آنجا که در دعاوی ناشی از قرارداد خواهان اختیار دارد به دادگاه محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد یا محل اقامت خوانده مراجعه نماید و در عرف نیز در رابطه با خریدهای صورت گرفته از طریق پرداخت الکترونیکی مرسوم و متداول است که تحويل در محل سکونت خریدار صورت می پذیرد اگر خواهان ابتدا به ساکن به این دادگاه مراجعه نمود دادگاه مذکور مکلف به رسیدگی است.

۲-۵- اختلافات در معاملات الکترونیکی

در صورت بروز اختلاف در معاملات الکترونیکی، مرجع حل اختلاف، دادگاه صالح بر اساس قوانین موضوعه خواهد بود. معاملات الکترونیکی نیز مانند معاملات سنتی، ممکن است با اختلافات و چالش هایی همراه باشند. در صورتی که این اختلافات از طریق مذاکره یا سایر روش های حل اختلاف توافقی حل و فصل نشوند، طرفین می توانند به دادگاه های صالح مراجعه کنند.

۲-۶- تفاوت معاملات الکترونیکی با سنتی

تنها تفاوت معاملات الکترونیکی با معاملات سنتی، روش و محیط انعقاد آنهاست و از نظر موضوع، طرفین و شرایط اساسی صحت، تفاوتی با یکدیگر ندارند. قانون تجارت الکترونیکی ایران، مجموعه اصول و قواعدی را برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه های الکترونیکی و با استفاده از سیستم های ارتباطی جدید بیان می کند. تجارت الکترونیکی باعث حذف مرزها و واسطه ها شده و سرعت و حجم مبادلات بازرگانی را افزایش می دهد. برای موفقیت در تجارت الکترونیکی، توجه به قوانین و شرایط جدید و همچنین داشتن یک اقتصاد پویا و فعال ضروری است.

برخی فقها در تبیین مبنای معاملات الکترونیکی و سنتی، بر این عقیده اند که برای انعقاد عقد و جریان آثار آن، لازم است ابراز اراده به وسیله لفظ انجام شود اما اکثر فقهای متأخر، عمل و نوشته

^۱. شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور رییس: ح. ح. عضو معاون: ع. ط.

را مانند لفظ، برای انشای معامله کافی می‌دانند. در هر حال بی‌شک طرح موضوع تشکیل معاملات الکترونیکی برای فقیهان متقدم منتفی بوده است، با وجود این، ضوابطی که در فقه، در باب تجارت مطرح شده، مخصوص مورد خاصی نبوده و دارای عمومیت می‌باشد. لذا آنچه در تألیفات فقها پیرامون معاملات آمده، در خصوص قراردادهای الکترونیکی نیز حاکم است (Aghaei, Bejestani & Rouhani Moghadam, 2008).

۲-۶-۱- بستر انجام معامله

معاملات سنتی به‌طور معمول در مکان‌های فیزیکی همچون فروشگاه‌ها و دفاتر انجام می‌گیرند، جایی که تعاملات به صورت حضوری میان خریدار و فروشنده صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر، معاملات الکترونیکی با استفاده از اینترنت و بسترهای آنلاین مانند وب‌سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها انجام می‌شوند و نیازی به حضور فیزیکی طرفین معامله نیست.

۲-۶-۲- سرعت و سهولت

معاملات الکترونیکی به‌طور کلی سریع‌تر و آسان‌تر از معاملات سنتی هستند. با چند کلیک می‌توان سفارش داد، پرداخت کرد و کالا را تحویل گرفت، در حالی که در معاملات سنتی ممکن است نیاز به مراجعه حضوری، بررسی فیزیکی کالا و مذاکره باشد. با توجه به تحولات چشمگیری که فناوری اطلاعات در امر تجارت ایجاد کرده و دو ویژگی سرعت و سهولت را به آن داده است، دیگر لزومی ندارد که تجار به منظور مذاکره و تبادل اطلاعات در خصوص فعالیت‌های تجاری و انعقاد قرارداد مورد نظر خود در یک مجلس حاضر شوند. بلکه آن‌ها می‌توانند از طریق فناوری‌های نوین الکترونیک، نظرات و پیشنهادهای خود را برای مخاطب ارسال کنند. طرف مقابل نیز می‌تواند از همین طریق پاسخ داده و یا پیشنهاد جدیدی مطرح سازد. حال چنانچه از این طریق بین طرفین عقدی تشکیل شود، از آن به عنوان «تشکیل عقد بین غایبین» نام برده‌اند (Amiri Ghaem Maghami, 2015).

عقد غائبین در مقابل عقد حاضریین استعمال می‌شود. منظور از عقد حاضریین این نیست که طرفین حتماً در مجلس واحد حاضر باشند، بلکه منظور عقدی است که طرفین آنرا به طور شفاهی منعقد می‌کنند اعم از اینکه در یک مجلس باشند یا در دو مکان مختلف (Jafari Langeroudi, 1999). مثل عقد با تلفن که هر چند طرفین در دو مکان حضور دارند، ولی چنین عقدی از جهت زمان تشکیل، منطبق با عقد غائبین نیست؛ ولی همین عقد از لحاظ مکان تشکیل، جزء عقود غائبین خواهد بود (Amiri Ghaem Maghami, 2015). بنابراین عقد غائبین عبارت است از عقدی که ایجاب و قبول آن بدون مکالمه و مذاکره، از راه دور به وسیله نامه، تلگراف، قاصد، تلکس،... انجام می‌شود. این عقود که طرفین، عقد را به طور شفاهی واقع نمی‌سازند، عقود مکاتبه نیز نام گرفته‌اند (Jafari Langeroudi, 1999).

۲-۶-۳- هزینه

معاملات الکترونیکی اغلب با کاهش هزینه‌ها برای هر دو طرف همراه هستند. این کاهش هزینه‌ها از جمله به دلیل حذف یا کاهش نقش واسطه‌ها در فرآیندهای تجاری است. در تجارت الکترونیکی، محصولات و خدمات به صورت مستقیم از تولیدکننده یا ارائه‌دهنده به مصرف‌کننده منتقل می‌شوند، که نه تنها روند معامله را سریع‌تر و ساده‌تر می‌کند، بلکه موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های اضافی مانند کارمزد واسطه‌ها، هزینه‌های حمل و نقل چند مرحله‌ای یا انبارداری می‌گردد. نتیجه این فرآیند، کاهش قیمت نهایی کالا یا خدمت برای خریداران و افزایش بازدهی اقتصادی برای فروشندگان است.

۲-۶-۴- امنیت

معاملات سنتی به واسطه انجام تعاملات حضوری، معمولاً حس امنیت بیشتری به افراد می‌دهند، زیرا طرفین مستقیماً با یکدیگر در ارتباط هستند و امکان تخلف یا سوءتفاهم کمتر است. با این وجود، در دنیای مدرن، استفاده از ابزارها و فناوری‌های امنیتی

۲-۶-۷- مذاکره و چانه‌زنی

در معاملات سنتی، فرآیند مذاکره و چانه‌زنی به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی شناخته می‌شود که به طرفین اجازه می‌دهد تا شرایط توافق را به گونه‌ای تنظیم کنند که رضایت بیشتری حاصل شود. این شکل از تعامل، فضای انعطاف‌پذیری ایجاد می‌کند که در آن عوامل مختلفی نظیر کیفیت کالا یا خدمات، حجم معامله، و حتی روابط شخصی می‌توانند بر نتیجه نهایی تأثیر بگذارند. در مقابل، معاملات الکترونیکی اغلب بر اساس چارچوبی از پیش تعیین شده اجرا می‌شوند که در آن قیمت‌ها و شرایط عموماً ثابت هستند. این ویژگی به دلیل اتوماسیون و پلتفرم‌های استاندارد در فضای آنلاین رایج است، که اگرچه سبب تسریع فرآیند خرید و فروش می‌شود، اما امکان تعدیل شرایط معامله بر اساس نیازهای فردی یا مذاکره مستقیم را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. نتیجتاً، معاملات الکترونیکی با وجود کارآمدی بالا، ممکن است سطح شخصی‌سازی و انعطاف معاملات سنتی را محدود کنند.

۲-۶-۸- پشتیبانی و خدمات مشتری

در معاملات سنتی، خدمات پشتیبانی و ارتباط با مشتری عمدتاً به صورت حضوری و در مکان فیزیکی مشخص انجام می‌شود، جایی که مشتریان می‌توانند مستقیماً با ارائه‌دهندگان خدمات در تعامل باشند. اما در معاملات الکترونیکی، این ارتباط و پشتیبانی بیشتر به شکل غیرحضوری و از طریق ابزارهایی همچون تماس تلفنی، ارسال ایمیل یا استفاده از چت آنلاین صورت می‌گیرد. این تغییر رویکرد نتیجه گسترش فناوری‌های دیجیتال است که امکان ارتباط سریع‌تر و آسان‌تر را فراهم کرده است.

نتیجه‌گیری

معاملات الکترونیکی و دیجیتال در حقوق ایران با تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲، وارد مرحله‌ای جدید و منظم شدند. این قانون چارچوبی قانونی تعیین کرده که به وضوح حقوق

پیشرفته می‌تواند سطح امنیت معاملات الکترونیکی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. روش‌هایی مانند رمزنگاری داده‌ها، احراز هویت چندمرحله‌ای و نظارت بر تراکنش‌ها باعث می‌شوند که حتی در بسترهای دیجیتالی نیز، معاملات با حفظ حریم خصوصی و اطمینان بالا انجام شوند.

۲-۶-۵- دسترسی

معاملات الکترونیکی دسترسی بیشتری را برای مشتریان فراهم می‌کنند. در هر زمان و مکانی می‌توان به کالاها و خدمات دسترسی پیدا کرد و معامله کرد، در حالی که در معاملات سنتی، دسترسی محدود به ساعات کاری و مکان فیزیکی است.

«بند ۲ ماده ۱۰ همانند مجموعه‌ای از اماره‌ها وضع شده نه همانند قاعده مضیق درباره دریافت ارتباط الکترونیکی، هدف این بند توزیع عادلانه ریسک از بین رفتن ارتباط الکترونیکی است.» درباره تشخیص قابلیت بازیابی ارتباطات الکترونیکی یادداشت دبیرخانه کمیسیون سازمان ملل برای تجارت الکترونیکی آن را امری موضوعی می‌داند که از قلمرو کنوانسیون ۲۰۰۵ خارج است. به علاوه فرضی که بر اساس آن، ارتباط الکترونیکی هنگامی توسط مخاطب قابل دسترسی شناخته می‌شود که به آدرس الکترونیکی او واصل شود، می‌تواند با این دلیل که مخاطب در حقیقت هیچ گونه وسیله‌ای برای دسترسی به ارتباط الکترونیکی نداشته بی‌اثر شود (Zarkalam, 2017).

۲-۶-۶- پیگیری و شفافیت

در معاملات الکترونیکی، توانایی پیگیری مراحل مختلف یک معامله و دسترسی به اطلاعات شفاف، به دلیل حضور سوابق دیجیتالی به میزان بیشتری فراهم است. این دیجیتالی شدن اطلاعات باعث می‌شود که تمامی مراحل از شروع تا پایان به خوبی ثبت و نگهداری شوند و افراد در هر لحظه بتوانند به جزئیات دقیق دسترسی پیدا کنند. این ویژگی باعث افزایش اطمینان خاطر طرفین معامله می‌شود و به کاهش ابهامات و احتمال خطا کمک می‌کند.

و تعهدات فروشندگان و خریداران را در معاملات الکترونیکی تعریف می‌کند و همچنین از حقوق مصرف‌کنندگان در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی دفاع می‌کند. قانون تجارت الکترونیکی شامل الزامات و دستورالعمل‌هایی برای انجام این نوع معاملات بوده و جنبه‌هایی مانند نحوه انعقاد قراردادها، تبادل اطلاعات و تعهدات قانونی طرفین را در صورت بروز اختلافات یا تخلفات معین می‌سازد. تصویب این قانون نقشی اساسی در قانونی‌تر شدن و رشد تجارت الکترونیکی در کشور ایفا کرده است. این قانون بر تنظیم فعالیت‌های مرتبط با تجارت آنلاین تمرکز دارد، با هدف ایجاد توازن میان حقوق فروشندگان و خریداران، تدوین شرایط قانونی مرتبط و تأمین حمایت‌های لازم در برابر تقلب یا نقض حقوق. اهمیت معاملات الکترونیکی را می‌توان در ابعادی چون تسریع روند انجام معاملات، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، بهبود دسترسی به کالاها و خدمات، ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید و تقویت حقوق مصرف‌کنندگان مشاهده کرد. ماهیت معاملات الکترونیکی اشاره به قراردادهایی دارد که از طریق ابزارهای الکترونیکی و فناوری‌های ارتباطی نظیر اینترنت منعقد می‌شوند. این نوع معاملات با وجود ساختار قراردادی مشابه با معاملات سنتی، به واسطه محیط دیجیتال از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند. اغلب این معاملات به طور خودکار از طریق سیستم‌های نرم‌افزاری انجام می‌گیرند که می‌تواند مواردی مانند پرداخت‌های دیجیتال، انتقال اطلاعات و حتی تحویل محصولات یا خدمات به شکل دیجیتال را شامل شود. اثبات اعتبار معاملات الکترونیکی می‌تواند چالشی جدی‌تر نسبت به معاملات سنتی باشد. در شرایطی که اسناد کاغذی به راحتی به عنوان مدرک ارائه می‌شوند، زنجیره صحت و تأیید تراکنش‌ها در معاملات الکترونیکی ممکن است نیازمند تحلیل سوابق دیجیتال، لاگ‌ها و شواهد فنی مرتبط باشد. برای حمایت از طرفین معامله و جلوگیری از سوءاستفاده‌ها یا تقلب، قوانین ویژه‌ای تدوین شده‌اند که بر

مسائلی همچون امنیت اطلاعات، حفظ حریم خصوصی و مسئولیت‌پذیری تأکید دارند. ویژگی‌های برجسته معاملات الکترونیکی شامل سرعت بالا، سهولت استفاده، کاهش هزینه‌ها، دسترسی آسان و گسترده به بازارها است. این عوامل نه تنها می‌توانند کارایی اقتصادی را افزایش دهند بلکه جایگاه رشد تجارت منصفانه و توسعه اقتصاد دیجیتال را در ایران تقویت می‌کنند.

جواز و عدم جواز معاملات الکترونیکی و دیجیتالی در فقه از موضوعات نوظهور است که به دلیل پیشرفت‌های فناوری و گسترش تجارت الکترونیک، مورد توجه فقها و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. این مسئله همواره محل بحث میان موافقان و مخالفان بوده و هر گروه دیدگاه‌ها و استدلال‌های خاص خود را ارائه کرده است. موافقان معتقدند که اصل صحت و جواز معاملات در فقه اسلامی، مبتنی بر این است که هر گونه معامله‌ای که خلاف اصول شریعت نباشد، جایز است. آن‌ها با اشاره به اصول کلی فقه، از جمله قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» (مردم بر اموالشان تسلط دارند)، این گونه معاملات را مشروع دانسته و تأکید می‌کنند که اگر حقوق طرفین معامله رعایت شود و محتوا و ساختار معاملات الکترونیکی منافاتی با احکام شرعی نداشته باشد، چنین معاملاتی قابل قبول است. به ویژه که در دنیای امروز، تجارت الکترونیکی نقش مهمی در بهبود ارتباطات اقتصادی و تسهیل معاملات ایفا می‌کند. از سوی دیگر، مخالفان این نوع معاملات دغدغه‌هایی از قبیل امکان بروز ابهام در اراده طرفین، عدم اطمینان از صحت اسناد دیجیتال یا حتی احتمال وقوع تقلب و مشکلات شبهه‌ناک فقهی را مطرح می‌کنند. به عقیده این گروه، نگرانی‌هایی پیرامون عدم شفافیت قراردادها یا عدم تطابق کامل با قواعد سنتی بیع و شراء وجود دارد که پذیرش معاملات الکترونیکی را از منظر شرعی با تردید همراه می‌کند. با این حال، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که برای حل اختلافات باید به بررسی عمیق ماهیت این

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The development of electronic and digital transactions has profoundly altered the structure of commercial and civil exchanges across societies. With the introduction of internet-based platforms, blockchain systems, and online contractual mechanisms, traditional frameworks of commerce have increasingly been supplemented, and in many cases replaced, by digital instruments that challenge both jurisprudential interpretations and positive legal provisions. In Iran, similar to many other jurisdictions, the spread of electronic transactions has raised fundamental questions about their legitimacy, enforceability, and compatibility with Islamic jurisprudence. The issue is particularly visible in discussions surrounding cryptocurrency transactions, smart contracts, and digital signatures, which are phenomena that did not exist in classical fiqh and thus demand interpretive effort. The jurisprudential discourse revolves around whether these instruments satisfy the essential conditions of contracts such as intent, mutual consent, capacity, lawful subject matter, and legitimate cause. For instance, the sale of cryptocurrencies, viewed through the lens of classical jurisprudence, is debated as to whether it qualifies as a sale of “māl” (property) or a void transaction. Imam Khomeini’s view in *Kitab al-Bay’* clarifies that what defines the validity of an object as “māl” is its recognition as valuable in common custom, regardless of whether it is recognized in Shari‘a, implying that cryptocurrencies could be considered property so long as they hold customary value (Mousavi Khomeini,

معاملات پرداخت و از اجتهاد پویا بهره برد. به ویژه با تعیین ضوابط مشخصی مانند احراز هویت دیجیتال، ضمانت حقوقی اسناد الکترونیک و رعایت اصول شرعی در تهیه قراردادها، می توان زمینه را برای تطبیق این نوع معاملات با مبانی فقه اسلامی فراهم کرد.

2000). Nevertheless, opposition exists among jurists who perceive such transactions as destabilizing the system and contrary to public interest, while others see them as permissible under the principle of default permissibility of transactions if no explicit prohibition exists (Beiranvand & Habibi Behrouz, 2024). This duality illustrates the tension between modern economic developments and traditional jurisprudential safeguards, making it essential to explore these issues both within fiqh and positive law.

From a jurisprudential perspective, several foundational principles are engaged when analyzing electronic transactions. The principle of “ḥifẓ al-niẓām” (preservation of order) is invoked by opponents who consider the proliferation of digital transactions as a potential source of disorder, fraud, and economic instability. They argue that the existence of tax evasion, money laundering, and security vulnerabilities associated with digital currencies justifies prohibition until a robust regulatory framework is established (Soleimanipour, 2017). In contrast, proponents argue based on the principles of *ibāḥah* (default permissibility) and *ṣiḥḥat al-‘uqūd* (validity of contracts), noting that contracts are presumed valid unless they directly contravene Shari‘a. Furthermore, discussions about the concept of *māliyya* (property-hood) play a central role. Some jurists, drawing on classical definitions, argue that digital currencies, though intangible, still qualify as property because they are desired by people and exchanged for value (Tusi, 1993). Others emphasize that since ownership in cryptocurrencies involves full discretion over

buying, selling, and even destruction, they resemble tangible property rather than usufructs (Shahidi, 2014). However, new interpretations also suggest that cryptocurrencies may constitute a new category of assets beyond the classical divisions of corporeal property, usufructs, and rights, requiring doctrinal innovation (Norouzi et al., 2021). These divergent views highlight how classical jurisprudential categories are stretched by digital phenomena, demanding dynamic interpretive responses in order to reconcile emerging practices with established principles.

The legal dimensions of electronic and digital transactions in Iran further complicate the matter, as they must align both with Islamic jurisprudence and the modern legal system codified in civil and commercial laws. The Iranian Civil Code requires essential elements such as consent, legal capacity, lawful subject, and specific object for contract validity. Consent itself comprises both intention and satisfaction (Emami, 1987), while capacity is categorized into capacity for enjoyment, exercise, and disposal (Safaei, 2003). These requirements apply equally to electronic transactions, which must also comply with the Electronic Commerce Act that explicitly recognizes digital signatures and electronic documents. Legal scholars stress that electronic documents can have probative value equivalent to written documents provided they are generated and stored securely, though insecure documents carry only the weight of ordinary private writings (Moazen Zadegan et al., 2015). Furthermore, the Iranian legal system has incorporated the principle of functional equivalence from UNCITRAL, recognizing that electronic communications can fulfill formal requirements traditionally satisfied by written instruments (Al-San, 2006). Yet challenges remain in conflict-of-laws contexts, especially regarding contracts concluded electronically across borders, where

interpretations of Article 968 of the Civil Code diverge between proponents of mandatory application of Iranian law and those who emphasize party autonomy (Katouzian, 2014). These complexities underscore the pressing need for a more adaptive legal framework that harmonizes traditional civil law principles with the realities of borderless electronic commerce.

A further set of issues arises from the specific characteristics distinguishing electronic transactions from traditional ones. While the fundamental principles of offer and acceptance, capacity, and lawful cause remain applicable, the digital environment introduces challenges related to timing, location, and evidence of consent. For example, the classification of contracts formed through online platforms parallels earlier jurisprudential debates about contracts formed between absentees (*'uqūd al-ghā'ibīn*), such as through letters or telephone communications (Amiri Ghaem Maghami, 2015; Jafari Langeroudi, 1999). In electronic contracts, offer and acceptance may occur asynchronously through automated systems, raising questions about when exactly a contract is concluded and under which jurisdiction it falls. Similarly, the increased speed, ease, and global accessibility of electronic transactions alter bargaining dynamics, often replacing traditional negotiation with standardized digital frameworks. While this enhances efficiency and reduces costs, it restricts flexibility for personalized agreements. Scholars also highlight challenges regarding the allocation of risks in electronic communications, such as when messages are deemed received by recipients and whether technological failures relieve parties of liability (Zarkalam, 2017). These questions reveal how the digital environment redefines conventional doctrines, necessitating interpretive

adjustments that safeguard both efficiency and fairness.

The comparative evaluation of supporting and opposing juristic perspectives further highlights the spectrum of thought. Opponents stress that introducing cryptocurrencies and similar instruments into real economies without adequate safeguards risks violating the principle of *maṣlaḥah* (public interest) by causing harm, inflationary pressures, or unjust enrichment (Mirzakhani, 2017). From their standpoint, the prohibition is justified until legal and regulatory measures can ensure systemic stability. Conversely, proponents view such instruments as aligned with the principle that people have control over their wealth (*al-nās musallaṭūn 'alā amwālihim*), provided no explicit prohibition is breached (Norouzi et al., 2021). The jurisprudential discourse is therefore characterized by a tension between cautionary conservatism grounded in system-preserving principles and progressive permissibility based on contractual freedom and property recognition. Beyond fiqh, legal scholars emphasize that the recognition of electronic documents, digital signatures, and consumer rights protections under the Electronic Commerce Act has significantly advanced the enforceability of digital transactions in Iran, although gaps remain in areas such as international enforceability, arbitration, and harmonization with global standards (Arfania, 2000; Mafi et al., 2011). These debates demonstrate that the evolution of digital commerce requires a multi-layered approach where jurisprudence, statutory law, and regulatory mechanisms interact dynamically. In conclusion, electronic and digital transactions have become a cornerstone of contemporary commercial and civil practice, offering speed, efficiency, and expanded access while simultaneously posing jurisprudential and legal challenges that cannot be overlooked. The Iranian experience

illustrates the interplay between classical fiqh principles and modern statutory law in addressing new technological realities. While some jurists and scholars remain skeptical of their legitimacy, others embrace their permissibility under general principles of contract and property law. The Electronic Commerce Act represents a milestone in integrating these practices into positive law, yet questions of jurisprudential legitimacy, conflict of laws, and systemic safeguards persist. Ultimately, the legitimacy and stability of electronic transactions in Iran depend on building robust technical, legal, and ethical infrastructures that can reconcile innovation with jurisprudential integrity and legal certainty. By doing so, electronic commerce can not only contribute to national economic development but also position Iran more effectively within the international digital economy.

References

- Aghaei Bejestani, M., & Rouhani Moghadam, M. (2008). Review of offer and acceptance in electronic transactions. *Quarterly Journal of Jurisprudence and Legal Principles*, 4(13).
- Al-San, M. (2006). Study of determining the governing law on electronic contracts. *Law and Politics Research*(19).
- Al-Sanhouri, A. A. (1988). *Theory of Contract*. Dar al-Kutub al-Masriyya.
- Amiri Ghaem Maghami, A. (2015). *Law of Obligations* (Vol. 2). Mizan.
- Arfania, B. (2000). *Private International Law (Conflict of Laws and Conflict of Courts)* (Vol. 2). Behtab.
- Beiranvand, R., & Habibi Behrouz, A. A. (2024). *Legal dimensions of e-commerce with focus on electronic contracts* First International Conference on Law, Political Science, Islamic Politics and Islamic Jurisprudence,
- Dankoub, A., & Aslmand, V. (2016). *Electronic evidence in Iranian substantive law* Third International Congress on Culture and Religious Thought,
- Emami, S. H. (1987). *Civil Law* (Vol. 1). Eslamiyeh.
- Jafari Langeroudi, M. J. (1999). *Course of Civil Law* (Vol. 1 and 4). University of Tehran.
- Katouzian, N. (2014). *Civil Law (General Rules of Contracts)* (Vol. 1). Nashr Co.

- Katouzian, N. (2022). *Civil Code in Current Legal Order*. Mizan.
- Khorsandi Koochesfahani, Z., & Chitsazian, M. (2021). Investigation of cryptocurrencies from the perspective of jurisprudence and law. *Interdisciplinary Journal of Jurisprudential Studies*(2).
- Mafi, H., Mohammadi, S., & Kaviar, H. (2011). The competent court for hearing claims arising from electronic contracts. *Judiciary Legal Journal*, 75(74).
- Mahmoudzadeh, K. (2013). *Probabilistic contract in Iranian and Egyptian law* [Allameh Tabatabaei University]. Tehran.
- Mirzakhani, R. (2017). *Bitcoin and the financial-jurisprudential nature of virtual money*.
- Moazen Zadegan, H. A., Soleiman Dehkordi, E., & Youshi, M. (2015). Preservation and admissibility of electronic evidence using biometrics and cryptography. *Criminal Law Journal*(12).
- Mousavi Khomeini, R. (1983). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 1). Etemad Library.
- Mousavi Khomeini, R. (2000). *Al-Bay'* (Vol. 3). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Norouzi, M., Ahmadi, A., & Asadi, H. (2021). Cryptocurrencies in the light of jurisprudence and international law. *Journal of Medical Law*.
- Roshan, M., Mozaffari, M., & Mirzaei, H. (2018). Legal and jurisprudential status of Bitcoin. *Journal of Legal Research*(87).
- Safaei, S. H. (2003). *General Rules of Contracts*. Mizan.
- Shahidi, M. (2014). *Formation of Contracts and Obligations* (Vol. 1). Majd.
- Soleimanipour, M. M. (2017). Jurisprudential study of virtual money. *Islamic Financial Research*, 6(2).
- Tusi, M. i. a.-J. f. (1993). *Al-Khilaf* (Vol. 3). Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Society of Qom.
- Zarkalam, S. (2017). *E-commerce Law*. Shahr-e-Danesh.